

دکتر مارو ویلسون، انبیا، جلسه ۳۵، اشعیا، متون کلیدی

مارو ویلسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر مارو ویلسون هستم در حال تدریس در مورد انبیا. این آخرین سخنرانی ایشان است، درس ۳۵ در مورد متون کلیدی از اشعیا.

من آماده‌ام که شروع کنم.

بباید با هم دعایی را آغاز کنیم. امروز، ما به پیشگاه تو می‌آییم و از تو به خاطر وفاداریات سپاسگزاری می‌کنیم. هر روز یک هدیه است. ما هر روز از خواب بیدار می‌شویم. این به طور خودکار اتفاق نمی‌افتد. تو کسی هستی که قلب ما را به تپش وامی‌داری.

تو کسی هستی که ذهن ما را تازه و هوشیار نگه می‌داری. تو کسی هستی که امروز به ما دلیلی برای زندگی داده‌ای. از تو سپاسگزاریم که ما را در دنیایی از تاریکی به سوی خود فراخواندی.

ما این را نمی‌فهمیم، اما از لطف خدا و دعوت تو به زندگی هر یک از ما شگفت‌زده‌ایم. همان خدایی که ما را به نور انجیل رسانده و مکان‌های مختلفی را در تاکستان به ما داده است، جایی که می‌خواهد ما را در آنجا مستقر کند. و برخی از این مکان‌ها، نقاط توقف کوتاه در زندگی هستند. و سپس نقاط عطف جدیدی وجود دارند. به ما کمک کن تا با ایمان از تو پیروی کنیم. از تو به خاطر کلام خدا که شرح وقایع یک خدای وفادار با یک قوم است، سپاسگزاریم.

و اگرچه آنها به بن‌بست رسیدند و به بن‌بست رسیدند و بسیاری از تجربیات چالش‌برانگیز دیگر را پشت سر گذاشتند، از تو سپاسگزاریم که هرگز آنها را ترک نکردی. و می‌دانیم که این در مورد زندگی ما نیز صادق است. پس به ما کمک کن تا هنگام خواندن پیامبران، دلگرم باشیم و بدانیم کسی که کار خوبی را با اسرائیل آغاز کرد و گفت که آن را تا انتها ادامه خواهد داد، همان خدایی است که در گذشته کار خوبی را در ما آغاز کرد و به ما یادآوری می‌کند که آینده‌ای فراتر از گوردون وجود دارد. و به همین دلیل از طریق مسیح پروردگاران، از تو سپاسگزاریم. آمین.

بسیار خوب، چند نکته را باید به شما یادآوری کنم.

دوشنبه شانزدهم ساعت ۲:۳۰ امتحان پایان ترم خواهد بود. به خاطر داشته باشید که چندین بار این را گفته‌ایم. ما برنامه درسی را اصلاح کرده‌ایم.

بنابراین، دوشنبه ساعت ۲:۳۰ خواهد بود. همانطور که در برنامه درسی آمده است، به طور خاص تمام مطالب خواندنی از ۸ آوریل تا ۹ مه را پوشش خواهد داد. و مطالب سخنرانی که پوشش خواهد داد از اشعیا تا امروز شروع می‌شود. علاوه بر این، ممکن است در پایان جلسه یک سوال ترکیبی از درس ارائه دهم ۶.

چیزی نیست که بتوانید به طور خاص برای آن مطالعه کنید. اما اگر چنین سوالی بپرسم، به موضوعات مختلفی از کل تجربه این ترم مربوط می‌شود. بسیار خوب، آیا در این مورد سوالی دارید؟ در پایان کلاس امروز، اگر ارزیابی از دوره انجام دهید، سپاسگزار خواهم بود.

و می‌خواهم به برخی از متون برگزیده و مورد علاقه‌ی اشعیا برگردم. ما در حال بررسی مجموعه‌ای از متون هستیم که می‌خواهم در مورد آنها توضیحاتی ارائه دهم. برخی از این توضیحات، تفسیری هستند.

بعضی از آنها متنی هستند. بعضی از آنها کاربردی هستند. بعضی دیگر موعظه‌ای هستند.

برخی از آنها تاریخی هستند. دفعه قبل به طومارهای دریای مرده و چگونگی تأثیر آنها بر چند قرائت در اشعیا اشاره کردم. آنها تصویر کلی را تقویت کرده‌اند، یعنی اینکه اکنون ما سنتی داریم که از نظر متنی به بیش از هزار سال قبل از عهد عتیق کامل عبری که داشتیم، برمی‌گردد، که مربوط به سال ۱۰۱۰ میلادی است، اکنون این متن دچار تحریف عظیم نشده است، همه چیز با دست کپی شده است، اما خلوص اساسی متن، یکپارچگی متن را از طریق فرآیند کپی تأیید می‌کند.

بنابراین، کتاب مقدسی که امروز در دست داریم همان کتاب مقدسی است که عیسی از آن استفاده می‌کرد نکته‌ای در مورد سرودخوانی، به خصوص به این دلیل که مربوط به ای. جی. گوردون است. ای. جی. گوردون دو سرود نوشته است و یکی از سرودهای کمتر محبوب او بر اساس اشعیا ۱۷:۳۳ است. اگر به کتاب سرودخوانی در کلیسا بروید، نام آن پادشاه در زیبایی اوست.

این عبارت از آیه ۱۷:۳۳ گرفته شده است. در این آیه آمده است: «چشمان تو پادشاه را در زیبایی‌اش خواهد دید و سرزمینی دور دست را خواهد دید.» حال، در این بخش، در فصلی که بلافاصله قبل از آن آمده است، برای مثال، فصل ۱.۳۲ می‌گوید: «ببینید، پادشاهی با عدالت سلطنت خواهد کرد و حاکمان با عدالت حکومت خواهند کرد.» در اینجا، به نظر می‌رسد که او به عصر مسیحایی اشاره می‌کند.

آن زمان است که پادشاه عادل به دنیا می‌آید، و آن زمان است که عدالت و درستی به این زمین می‌آید. بنابراین، حدس من این است که، از نظر زمینه‌ای، کنایه اینجا این است که این پادشاه و زیبایی‌اش احتمالاً کنایه‌ای به عصر مسیحایی است. متن اینجا می‌گوید که این سرزمین، به معنای واقعی کلمه، سرزمینی از فواصل دور خواهد بود.

می‌گوید، تا دور دست‌ها امتداد دارد. در همه جهات امتداد دارد. بنابراین NIV سرزمینی که، همانطور که احتمالاً، به حکومت جهانی مسیح اشاره دارد.

باز هم، زکریا ۹:۱۴ بیان می‌کند که او، مسیح، پادشاه تمام زمین خواهد بود. این ایده از زمین مسطح که تا مسافتی امتداد دارد، با وضعیت فعلی زمینی که توسط دشمن اشغال شده است مقایسه می‌شود. بنابراین، سلطنت باشکوه مسیح.

مرجع دیگری که می‌خواهم به برخی از آنها اشاره‌ای سریع داشته باشم. در باب ۳:۳۵، کتاب عبرانیان در عهد جدید به طور گسترده از کتاب مقدس عبری بهره می‌برد. عبرانیان ۱۲:۱۲ از اشعیا ۳۵:۳ نقل قول می‌کند: «دست‌های سست را تقویت کنید، زانوهای سست را ثابت نگه دارید»

در روزگار اشعیا، زمانی بود که ترس و لرز بر مردم چیره می‌شد، و دشمن در آستانه‌ی در بود. به یاد داشته باشید، در زمان سلطنت اشعیا بود که آشور سقوط کرد. سلطنت اشعیا تا حدود سال ۶۸۰ میلادی ادامه دارد، و ۲۰ سال قبل از آن، در سال ۷۰۱ میلادی بود که او تمام پادشاهی جنوبی، قطعاً یهودا، را پاکسازی کرد و این در واقع دروازه‌ی اورشلیم را می‌کوبید.

بنابراین، این ترس و لرز، وقتی دست‌ها فرو می‌افتند و زانوها می‌لرزند. و این تشویق به قوی بودن، این به معنای قوی بودن در خداوند است، این همان نوع تشویقی است که در آیه بعدی، ۴:۳۵، می‌خوانیم: به

کسانی که دل‌های ترسویی دارند بگو: قوی باشید، نترسید، خدای شما خواهد آمد. اینها همان کلماتی بودند که در فصل اول یوشع به یوشع گفته شد.

نترس، بلکه قوی باش. شجاع باش. و اینگونه است که کتاب مقدس، همانطور که در پیامبران دیده‌ایم، تضادها را متعادل می‌کند، و این پاسخ انسان به وحشت است، پاسخ الهی.

همانطور که یک خاخام محلی به گروهی از دانشجویان گوردون گفت، باز هم، رایج‌ترین دستور در کتاب مقدس، نترسید. احتمالاً اکثر ما این را انتخاب نمی‌کردیم، اما او از کتاب مقدس عبری گفت که این دستور نترسید، رایج‌ترین دستور در کتاب مقدس است. در اینجا نسخه دیگری از آن با توجه به حمله احتمالی آشوریان آمده است.

در آیه ۱۹:۳۸، فقط می‌خواهم نکته‌ای را بگویم، برخی از ما امروز به خاطر پارادوکسیس، به معنای یونانی کلمه در عهد جدید، یا ماسورا، به معنای عبری کلمه در کتاب مقدس، اینجا هستیم. این به خاطر حقیقتی است که خانه به خانه، نسل به نسل منتقل شده است. و مطمئناً، پارادیدومی در عهد جدید، به معنای تحویل دادن، سپردن، انتقال دادن است.

و بنابراین، ایده سنت. سنت شفاهی بخش بسیار بسیار مهمی از میراث ما بود. به خاطر داشته باشید که اولین کتاب تا دهه ۱۴۵۰ از چاپخانه خارج نشد.

آن انجیل ناشیانه‌ی گوتنبرگ به زبان لاتین بود. بنابراین، تقریباً همه چیز باید دست‌نویس می‌بود. و بنابراین، به دلیل کمبود کتاب، فقط نسخه‌های خطی، باید به سنت شفاهی تکیه می‌کردید.

و بنابراین اشعیا در اینجا در مورد اهمیت انتقال نسلی حقیقت، تداوم وعده‌های خدا، اشاره می‌کند. پدران به فرزندان خود در مورد ایمان شما، در مورد ایمان شما می‌گویند. و بنابراین ایمان چیزی نیست که فقط با نگاه به آینده باشد.

یکی از دلایلی که ما امروز اعتماد به نفس داریم این است که ایمان نگاهی به گذشته دارد. او ایمان داشته است. او ایمان داشته است.

کلمه‌ی «امت»، اولین، وسط و آخرین کلمه‌ی کتاب مقدس عبری، شماره‌گذاری می‌کنند. این کلمه‌ی بسیار بسیار مهمی است که آنها علامت‌گذاری می‌کنند.

emet. از آنجا که این کلمه به معنای قابل اعتماد و اتکا است، چیزی است که می‌توانید به آن تکیه کنید. بنابراین، حقیقت چیزی است که به آن تکیه می‌کنید.

امت گاهی به معنای حقیقت ترجمه می‌شود. اما این حقیقت، نسل به نسل، در به در بوده است. و بسیاری از ما امروز اینجا هستیم زیرا پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و والدین وفاداری داشته‌ایم.

ما آن را منتقل می‌کنیم. این نبوغ بهترین تعلیم ممکن است، طبق اول تیموتائوس ۴:۴، جایی که پولس درباره چهار نسل از معلمان صحبت می‌کند. او آن را دریافت کرد و آن را به دیگران که شاهدان امین نیز خواهند بود، منتقل کرد.

در فصل ۴۰، آیات ۶ و ۸، این متن در اول پطرس ۱:۲۴ و ۲۵ نقل شده است. که با طبیعت فانی انسان در تضاد است. می‌دانید، تنها مزمور در کتاب مقدس که به موسی نسبت داده شده، مزمور ۹۰ است.

و این مزمور به ماهیت گذرا، ناگهانی، سریع، زودگذر و گذرای زندگی می‌پردازد. از ازل تا ابد، تو خدایی، اما تو انسان‌ها را به خاک برمی‌گردانی. خدا جاودان است، اما انسان‌ها به خاک برمی‌گردند.

تو انسان‌ها را در خواب مرگ می‌رانی. طول عمر ما ۷۰ یا ۸۰ سال است، اگر قدرت داشته باشیم. مزمور ۹۰. آیه ۱۰.

و بنابراین، او در آیه ۱۲ به نوعی به نتیجه‌گیری خود در این مورد می‌رسد. پس، به ما بیاموز که روزهای خود را بشماریم تا بتوانیم قلبی خردمند به دست آوریم. قلبی خردمند، قلبی خردمند.

برای نویسندگان کتاب مقدس عبری بسیار مهم است. تضاد اینجا چیست؟ اشعیا ۴۰ می‌گوید همه انسان‌ها مانند علف هستند. بنابراین همانطور که این مزمور منسوب به موسی می‌گوید، آنها مانند گل‌های صحرا باشند. باشکوه هستند.

علف پژمرده می‌شود، گل‌ها می‌ریزند، اما کلام خداوند تا ابد پابرجاست. فصل ۴۰، آیه ۸. فکر می‌کنم در سطح شخصی، یکی از چیزهایی که مرا به تدریس کتاب مقدس به عنوان بخشی از سفر ایمانی شخصی‌ام سوق داد، این واقعیت بود که شما با چیزی فراتر از خودتان سر و کار دارید. یعنی، ارزشی جاودانه دارد.

این به نظرم خیلی جذاب آمد. من به آشپزهای آماده نگاه می‌کنم. به افرادی نگاه می‌کنم که خانه‌هایی می‌سازند که روزی با بولدوزر خراب خواهند شد.

من به انواع دیگری از حرفه‌ها نگاه می‌کنم که از نظر ارزش بسیار کوتاه‌مدت هستند. اما وقتی با کتاب مقدس سر و کار دارید، ابدی است. و در اینجا، انسان پایدار نیست، در مقایسه با کلام خدا دائمی نیست.

«انسان دارای خصلت زودگذری و ضعف است. یکی از کلمات کلیدی تو در کتاب جامع، کوهلت، «هول است. است.» هول «نفس تو در یک صبح سرد است.

اگرچه گاهی اوقات کلمه «غرور» برای آن استفاده می‌شود، اما در واقع به معنای چیزی است که زودگذر، در حال گذر و چیزی است که به سرعت از بین می‌رود. و اتفاقاً این یکی از کلماتی است که دوستان یهودی ما هر وقت مراسم تدفین دارند، هنگام حمل جسد به گورستان، چندین بار کلمه «هول» را تکرار می‌کنند. زندگی، از نظر انسانی، در مقایسه با ما مانند گل، مانند علف است، اما به سرعت پژمرده می‌شود و می‌میرد.

اما در مقابل، کلام پروردگار ما تا ابد پابرجاست. و این به من امید می‌دهد. این کلام جاودان خداست.

و این بخشی از موعظه بالای کوه، متی ۵: ۱۸ است. همین نکته در آنجا مطرح شده است، نه فقط در اول پطرس. نکته دیگری که می‌خواهم در فصل ۴۰ مطرح کنم، فقط برای اینکه به شما نشان دهم که چگونه، علائم نگارشی می‌توانند در کتاب مقدس متفاوت باشند. در فصل ۴۰، که با این عبارات شروع می‌شود، تسلی دهید، مرا تسلی دهید، قوم مرا تسلی دهید، Nachamu ، nachamu ، ami.

پاراکیو، در یونانی، به معنای تشویق و تسلی دادن است. و اعلام در آیه ۳، البته، در عهد جدید، در سه انجیل، صدای کسی است که در بیابان فریاد می‌زند، راه را برای خداوند آماده کنید. این یحیی تعمید دهنده است.

در اینجا هیچ اشاره‌ای به یحیی تعمید دهنده وجود ندارد؛ اگرچه یحیی لحنی نبوی داشت، اما دقیقاً همان کاری را انجام داد که پیامبران اسرائیل در تمام طول ترم انجام می‌دادند، یعنی دعوت مردم به توبه، تشووا چیزی که در اینجا به آن علاقه دارم این است که در شعر عبری در آیه ۴۰، آیه ۳، اینگونه تنظیم شده است: صدای کسی که در بیابان فراخوانده می‌شود، فراخوانده می‌شود، فراخوانده می‌شود، راه خداوند را آماده کنید. یا عبارت موازی، در بیابان شاهراهی برای خدای ما هموار کنید، که احتمالاً به یک پادشاه باستانی خاور نزدیک در حال آماده‌سازی اشاره دارد.

شما نقاط ناهموار را برمی‌دارید و آن را هموار می‌کنید. اگر پاپ برای انجام یک مراسم مذهبی به بروکلین می‌آمد، مجبور نبود هفت پله از یک آپارتمان را بالا برود تا برای کسی دعا کند. آنها راهی با آسانسور پیدا می‌کردند.

آنها تا حد امکان آن را روان‌تر می‌کردند. چیزی که اینجا برایم جالب است این است که علائم نگارشی در یوحنا ۱:۲۳، متی ۳:۳ و مرقس ۱:۳ متفاوت است. یوحنا می‌گوید من صدای کسی هستم که در بیابان فریاد می‌زند.

آنجا جایی است که یحیی در بیابان یهودیه، جایی که او قرار داشت. و سپس نقل قول شروع می‌شود، راه خداوند را آماده کنید. آنجا جایی است که نقل قول در عهد جدید شروع می‌شود.

در اشعیا، اوضاع متفاوت است. و بنابراین، محققان گاهی اوقات بر سر علائم نگارشی بحث می‌کنند. اما تمام چیزی که من اینجا به شما اشاره می‌کنم این است که نویسندگان عهد جدید به روش‌های مختلفی از عهد عتیق استفاده کرده‌اند.

این کار مکانیکی نبود. گاهی اوقات به گونه‌ای استفاده می‌شد که متون عهد عتیق را می‌گرفتند و به نوعی آنها را برای اهداف خود تطبیق می‌دادند. ما دیدیم که در شعار اصلاحات مذهبی، عادل با ایمان زندگی خواهد کرد.

در روزگار حبقوق، مرد عادل، مرد عادل، زندگی خود را با ایمان سپری می‌کند. پولس در رومیان ۱:۱۶ و ۱۷ یا هر جای دیگری که باشد، آمده است. ممکن است حافظه‌ام در آنجا یاری نکند.

اما او درگیر بحثی در مورد آثار ایمان است. او همچنین از ایمان به مسیح به عنوان موضوع ایمان صحبت می‌کند. چیزی که مطمئناً به هیچ وجه دغدغه اصلی حبقوق نبود.

«ندای حبقوق این بود»: ببینید، بابل در چند قدمی شماست. به خدا توکل کنید. روز به روز وفادار باشید

باید اینگونه زندگی کنی. توکل، تعهد محکم و استوار به خدای متعال. با الهام از امونا زندگی کن.

این روشی است که شما زندگی می‌کنید. بنابراین، پولس از راه می‌رسد و برداشت متفاوتی از آن دارد. نکته من در اینجا این است که در مورد نحوه نقل قول نویسندگان، از پیش تصور شده یا مکانیکی فکر نکنید.

مثل این نیست که شما امروز در حال نوشتن یک مقاله پایان ترم باشید. نویسندگان به دنبال چیزهای مختلفی بودند. گاهی اوقات، آنها اشاره می‌کنند.

گاهی اوقات آنها نکات ظریفی را مطرح می‌کنند. گاهی اوقات یک نقل قول کلمه به کلمه است. انواع مختلفی از کاربردهایی که آنها از کتاب مقدس می‌کنند.

یحیی مردم را فرا می‌خواند تا آماده شوند. مسیح اینجا بود و داشت مردم را با توبه از گناهانشان تعمید می‌داد تا برای آن رویداد بزرگ آماده شوند. بنابراین، او مردم را فرا می‌خواند

و بنابراین، بیابان چیز مهمی نیست. اگرچه او در بیابان یهودا بود، اما به دره اردن آمده بود. آنجا جایی بود که او غسل تعمید خود را انجام می‌داد.

نه در بیابان. بنابراین، او مردم را به آماده شدن فرا می‌خواند. ما در اردن هستیم

ما دقیقاً نمی‌دانیم. چندین مکان احتمالی وجود دارد که او، مرد میکوا در کتاب مقدس، غوطه‌وری خود را در آنجا انجام داده است. گاهی اوقات عبارت «افتادن در یک سطل» را می‌شنویم.

این از اشعیا آمده است. اشعیا بر برخی از عباراتی که ما در زندگی روزمره استفاده می‌کنیم تأثیر گذاشته است. فصل ۴۰، آیه ۱۵ -

ملت‌ها مانند قطره‌ای در سطل هستند. این تخمینی است که خدا از ملت‌ها می‌زند. و او واقعاً نه به نصیحت آنها و نه به نصیحت انسان نیازی ندارد.

جالب است که نامزدهای ریاست جمهوری وقتی در سخنرانی‌هایشان از کتاب مقدس استفاده می‌کنند، معمولاً برای اینکه همه را راضی نگه دارند، به جای عهد جدید، به عهد عتیق رجوع می‌کنند. یاد می‌آید. لیندون بینز جانسون به دفتر رئیس‌جمهور آمد.

او از کتاب اول پادشاهان، فصل ۳ از سلیمان نقل قول کرد. این دعا، دعایی برای حکمت بود. به گفته عبری، اعطای قلبی شنوا.

من جوان هستم. نمی‌دانم چگونه بیرون بروم یا وارد شوم. برای قضاوت در مورد این مردم به خرد نیاز دارم.

به یاد دارم در سال ۱۹۷۲، زمانی که نیکسون و مک‌گاورن رقابت ریاست جمهوری داشتند. به یاد داشته باشید، در سخنرانی پذیرش شکست توسط مک‌گاورن، او آیه ۳۱ از اشعیا ۴۰ را نیز گنجاند. کسانی که به خداوند امید دارند، قدرت خود را تجدید خواهند کرد.

نِشَر و مانند عقاب اوج خواهند گرفت. آنها خواهند دوید و خسته نخواهند شد. آنها راه خواهند رفت و درمانده نخواهند شد.

و اینجا دوباره، معنویت چیست؟ الله، کتاب مقدس عبری، زندگی آن راه رفتن با خداست. این یک سفر است. بدوید، راه بروید، و خدا شما را برای سفر تجدید می‌کند.

بعضی از شما پدربزرگ و مادربزرگ دارید و تعداد کمی از شما پدربزرگ و مادربزرگ دارید. شما باید در سال‌های آخر عمر آنها تشویق شوید. اشعیا آیه‌ای فوق‌العاده است که می‌توانید برای سالمندان خانواده‌تان یا اگر به خانه سالمندان می‌روید، بخوانید.

اشعیا ۴۶، آیه ۴، حتی تا پیری و سپیدموی‌ات، من او هستم. من او هستم که از تو حمایت خواهم کرد. من تو را آفریده‌ام و تو را حمل خواهم کرد.

خداوند در طول سفر، حتی زمانی که قوای جسمی و ذهنی ما رو به زوال است، ما را رها نمی‌کند. و این یک کلمه دلگرم‌کننده و امیدبخش برای دوران پیری است. همه ما به مأموریت‌های مذهبی علاقه‌مندیم و جالب است که چگونه کتاب اشعیا به طرق مختلف بر افراد مختلف تأثیر گذاشته است.

ویلیام کری را در نظر بگیرید که به کدام کشور رفت؟ هند. ویلیام کری. در فصل ۵۴، آیه ۲، آیه‌ای که برای او بسیار معنادار بود، یافت شد.

او در انگلستان کفاش بود. و این آیه جالب، که اگر به آیه قبل از آن برگردید، اورشلیم در اینجا به عنوان زنی که در یک نوع چادر عشایری، چادر عشایری زندگی می‌کند، توصیف یا نمادین شده است. این فصل در نهایت درباره شکوه آینده صهیون صحبت می‌کند، اما آیه ۲ در اینجا به طور خاص می‌گوید، مکان چادر خود را بزرگ کنید، پرده‌های چادر خود را پهن کنید، عقب نمانید، طناب‌های خود را دراز کنید، میخ‌های خود را محکم کنید.

حالا، این ایده کلی بزرگ شدن به جورایی شبیه دعای جابز به نظر می‌رسد، که کلی طرفدار پیدا کرده و کلی پول درآورده. تا حالا دعای جابز رو خوندی؟ بزرگ فکر کن. هر قسمتی از کتاب مقدس که بهت بگه بزرگ فکر کن.

در اینجا، اورشلیم به عنوان زنی که در چادر زندگی می‌کند، نمادین شده است؛ این ممکن است به این معنی باشد که فرزندان، فرزندان معنوی، از دوردست‌ها خواهند آمد. مطمئناً، در ولایت خدا، در عصر مسیحایی هم یهودیان و هم غیریهودیان در ترکیب قوم خدا گنجانده خواهند شد. و بنابراین، یهودیت همیشه دینی بوده است که فقط به درون نگاه نکرده است؛ بلکه به بیرون نیز نگاه کرده است.

ساموئل سندمل، که یکی از دانشمندان بزرگ یهودی در اواسط قرن گذشته است، در مورد مسیحیت می‌نویسد، می‌گوید انگیزه تبلیغی مسیحیت اولیه بر اساس یک انگیزه تبلیغی یهودی اولیه بنا شده است. و بنابراین، از اورشلیم، سامره و تا دورترین نقاط جهان، یا همانطور که اشعیا می‌گوید، سرزمین‌های ساحلی منتظر قانون شما هستند، با این انتظار که فقط ابراهیم در این عهد خاص نیست، بلکه همه ملت‌ها از طریق شما، ابراهیم، و از طریق نسل شما برکت خواهند یافت. بنابراین، این خیمه گسترش یافته، و اگر بتوانیم به قوم خدا به عنوان بخشی از یک خیمه نگاه کنیم، و با بزرگ شدن خانواده، به خیمه، یک خیمه اضافه می‌کنید، می‌توانید قطعات جدیدی را بدوزید تا همه را زیر خیمه نگه دارید.

خب، ویلیام کری فراتر از محدودیت‌های خودش فکر می‌کرد، و همانطور که از اورشلیم خواسته شده است، خدا، همانطور که آیه ۵ می‌گوید، خدای تمام زمین نامیده می‌شود، و او به عنوان خدای تمام زمین مشتاق است که به همه مردم برسد. یکی از راه‌های زیبایی که انجیل را پیشگویی می‌کند در ۱:۵۵ یافت می‌شود. همه ما می‌دانیم که انجیل رایگان است، و فیض رایگان است، اما برخی از شکل‌ها و تصاویری که در کتاب مقدس عبری استفاده شده‌اند، این را پیش‌بینی می‌کنند. ۱.۵۵ تصویر آب انبار در خیابان‌های اورشلیم در آب و هوای نیمه‌خشک است که در آن مردم، به ویژه در اواخر بهار و ماه‌های تابستان، دچار کم‌آبی می‌شوند.

بنابراین، در اورشلیم، که زادگاه اشعیا بود، او صحنه‌ای را تصور می‌کند که در آن شخصی به نام آب‌فروش در خیابان‌ها قدم می‌زند. بیایید، همه شما که تشنه‌اید، به سوی آب‌ها بیایید، اما این آب‌فروش متفاوت است. شما که پول ندارید، بیایید، بخرید، حتی بخورید.

من اینجا چیزهای دیگری هم دارم. در واقع، چیزهای خیلی خوبی هم دارم. بیایید، شراب و حلوا، شیر، بدون پول و بدون هیچ هزینه‌ای بخرید.

به تأکید اینجا توجه کنید، جایی که او با تصویر صحنه‌ای آشنا در خیابان‌های اورشلیم و از صحنه‌ی زندگی روزمره‌ی آب‌فروش شروع می‌کند. سپس نکته‌ی خود را در مورد رفع تشنگی معنوی بیان می‌کند. چرا پول خود را صرف چیزی می‌کنید که نان نیست، و کار خود را صرف چیزی می‌کنید که سیرتان نمی‌کند؟ به من گوش دهید و آنچه خوب است بخورید، و روح شما از غنی‌ترین امور لذت خواهد برد.

بنابراین، او اینجا درباره چیزی معنوی صحبت می‌کند. ما باید بدون پول خرید کنیم. چرا؟ زیرا، همانطور که در امثال آمده است، حکمت را نمی‌توان با طلا به دست آورد.

رومیان ۶:۲۳، هدیه خدا حیات جاودان است. و من فکر می‌کنم تصویر اینجا این است که فروشنده آب، فقط ۳۰ دقیقه شما را سیر می‌کند و بعد دوباره تشنه می‌شوید. و تشنگی معنوی، یا انجیل یوحنا، آب حیات، که عیسی به زن کنار چاه می‌دهد، از نوع دیگری است.

بنابراین، دعوت از تشنگان اینجا به سوی آب حیات است، و شراب و شیر نماد فراوانی و غیره هستند. چند مورد دیگر را هم می‌خواهم سریعاً ذکر کنم. ۵۶.۵، شما به اورشلیم رفته‌اید، به موزه هولوکاست، ید و شم، که در چند سال گذشته به یک مرکز جدید و زیبا با فناوری پیشرفته منتقل شده است، رفته‌اید.

نام آن از اشعیا ۵:۵۶ گرفته شده است، کلمات «یادبود» و «نام». «ید کلمه عبری برای دست شماس است. ید

یاد «چه شکلی است؟ به نظر می‌رسد، چیزی شبیه به یک بنای یادبود گرد است که ممکن است در» گورستان ببینید. به همین دلیل است که به «یادبود» ترجمه شده است، یک بنای یادبود است، و یک نام ید و شم»، برای یادآوری مردم هولوکاست. و این نام معادل مردم و شهرت آنها بود».

در همان فصل، شما دو آیه دیگر را هم مطرح می‌کنید که بر سر درهای کنیسه‌های بیشتری در جهان نوشته شده است. آیا این آیه از هر آیه دیگری مهم‌تر است؟ در واقع، این آیه حتی در عهد جدید هم نقل شده است، آنقدر مهم است که می‌گوید: خانه من خانه دعا برای همه ملت‌ها نامیده خواهد شد، اشعیا ۷:۵۶. به این معنی که هیچ کس نمی‌تواند شما را از کنیسه دور نگه دارد.

قرار بود آنجا یک بت‌ها-تفیلا، خانه دعا، باشد. به یاد داشته باشید، وقتی عهد جدید را مطالعه می‌کنید، این را در خیمه عهد عتیق نمی‌بینید. وقتی به معبد هیرودیس نگاه می‌کنید، صحنی برای غیریهودیان وجود داشت، که فقط یادآوری می‌کند افرادی که یهودی نبودند به معبد می‌آمدند.

قرار بود آنجا مکانی برای دعا و نیایش همه مردم باشد. وقتی این همه سفر با دانش‌آموزان گوردون به کنیسه‌ها داشته‌ام، همیشه به آنها می‌گویم که همیشه از آمدن به کنیسه برای مطالعه، دعا و بازدید استقبال می‌شود. اینجا خانه دعا و نیایش همه مردم است.

تنها کاری که باید انجام دهید این است که آن آیه را بیرون بیاورید و بلیط خود را با آن آیه پانچ کنید. تنها استثنا در تعطیلات رسمی است که به بلیط نیاز دارید زیرا بسیار بسیار شلوغ است. برخی از شما با من به کنیسه رفته‌اید و فقط یک جا در کتاب مقدس وجود دارد که می‌گوید هر شبات، باید یک شبات اونیک وجود داشته باشد.

اونیک شبات، اونیک، اونیک، به معنی لذت است. و اونیک شبات از یک جای کتاب مقدس آمده است، و آن ۵۸:۱۳ است. در آن آمده است که اگر شما سبت را لذت بنامید. و بنابراین معمولاً، در هر کنیسه‌ای در

عصر جمعه، پس از مراسم قرائت تورات، یک اونیک شبات وجود دارد که به ساعتی برای معاشرت، پذیرایی، گپ و گفت با دوستان و گاهی اوقات تعیین سخنرانان یا برنامه‌ها اشاره دارد.

من، دانشجویان گوردون، حداقل ۱۲ سال وقت گذاشته‌ام تا در کنیسه‌های محلی برای اونیک شبات برنامه‌هایی اجرا کنم. این اصطلاح از آنجا آمده است که سبت را به یک لذت تبدیل می‌کند، نه یک روز طاقت‌فرسا. چند نکته دیگر در آن فصل ۵۸.

این یک فصل عالی در مورد روزه است، و اینکه روزه‌داری مورد نظر خدا چیست، مقابله با بی‌عدالتی، ظلم، مراقبت از گرسنگان، بی‌خانمان‌ها، برهنه‌ها. منظوم این است که این نسخه عهد عتیق از متی ۲۵ است. در جمع‌آوری بزرگ و نهایی، جایی که گوسفندان و بزها از هم جدا می‌شوند، متی ۳۱:۲۵-۴۶، زبان اینجا تقریباً مشابه کارهایی است که مردم برای دیگران انجام می‌دادند.

و اینجا دوباره، دین کاهنی، روزه، در مقابل دین نبوی، عمل. باز هم، به نظر می‌رسد که گاهی اوقات یا به یکی از این دو دعوت می‌کند، اما البته هر دو و در متن عهد عتیق. در سرودخوانی، برخی از شما با سرزمین بیولا آشنا هستید.

ما به سرزمین ذرت و شراب رسیده‌ایم. سرزمین بیولا. به نظرم، اگر در شنیدن کلمات سرودهای مذهبی نسل خودت زیرک باشی، چیزی را از قلم انداخته‌ای.

سرودهای دسته‌جمعی ما به همان خوبی و به همان اندازه تکراری هستند، که سالی است، بنابراین من تا حد زیادی به تکرار چیزها اعتبار می‌دهم. عبرانیان این کار را کردند. اما محتوا، اشارات کتاب مقدس به تاریخ اسرائیل، به آیات کتاب مقدس و غیره.

سرزمین بیولا کجاست؟ خب، بعل در زبان عبری به معنای ازدواج کردن است. و بیولا به معنای ازدواج کرده است. و وقتی به آیات ۴:۶۲ و ۵ نگاه کنید، صهیون قرار است نام جدیدی داشته باشد.

و خدا می‌گوید، به خاطر صهیون، ساکت نخواهم ماند. به خاطر اورشلیم، ساکت نخواهم ماند. و زمانی بود که اورشلیم توسط دشمنان مورد تاخت و تاز قرار گرفت.

در بند ۴، آنجا متروک بود، ویران بود، اما قرار است اسم جدیدی داشته باشی، هپسی با. مادرم تهدید می‌کرد که اگر دختری داشته باشد، هپی یا هپسیبای او را خواهد گذاشت، که اسم زیبایی است. این یک اسم زنانه است.

هپسیبا به معنی شادی من است و لذت من در اوست. و سرزمین شما بیولا یا سرزمین ازدواج نامیده خواهد شد. زیرا خداوند از شما لذت خواهد برد و سرزمین شما ازدواج خواهد کرد.

بنابراین، صهیون اکنون عروس مقدس خداست، برخلاف همسری که مرتکب خیانت شده بود. همانطور که داماد از عروس خود شادمان می‌شود، خدای تو نیز از تو شادمان خواهد بود. و بنابراین، پس از ۱ تا ۳۹، داوری بسیار بیشتری بود.

این فصل‌های آخر کتاب اشعیا، فصل‌های بسیار مثبت‌تر و دلگرم‌کننده‌تری هستند که امید را به ارمغان می‌آورند. حتی تأثیر پولس از این کتاب، آیه ۶۴.۸، ما گل هستیم، شما کوزه‌گر هستید، ما ساخته دست شما هستیم. حتی پولس نیز از این تصویر پیامبران استفاده می‌کند.

گل در دست کوزه‌گر برای ساختن ظروف، قالب‌گیری و شکل‌دهی. ما گل هستیم و شما کوزه‌گر. به نظر من این یک انسان‌نمایی فوق‌العاده است.

همانطور که هشل می‌گوید، خداوند از زندگی هر یک از ما یک اثر هنری می‌سازد. هر اثر هنری متفاوت خواهد بود. اما شکل‌پذیری، انعطاف‌پذیری و انعطاف‌پذیری کلید اصلی است.

برای من، این یکی از تجربیات عالی در مورد تدریس در گوردون بوده است، داشتن افرادی که پذیرای یادگیری هستند. این همان یادگیرنده کوچک کتاب امثال است، کسی که به معنای واقعی کلمه پذیرا است. ما آن را به معنای واقعی کلمه ساده ترجمه می‌کنیم، اما کسی است که قابل آموزش، تربیت‌پذیر، انعطاف‌پذیر است، کسی که واقعاً می‌تواند یادگیرنده باشد.

و این یکی از بهترین مکان‌هایی است که می‌توانید در تمام عمرتان باشید. مثل خاک رس، چیزهای جدید یاد بگیرید، و یادگیری اتفاق می‌افتد. این یک جمله‌ی همیشگی است.

شما در مرحله‌ی حساسی از مسائل هستید. اما هر روز، مثل سگ‌ها، ترفندهای جدیدی یاد می‌گیریم. بنابراین، انسان‌ها در مدرسه‌ی ایمان چیزهای جدیدی یاد می‌گیرند.

بسیار خوب، این آخرین حرف من از دوره انبیا است، و در مورد اشعیا بحث را تمام می‌کنیم. کوین قرار است به سرعت یک ارزیابی از دوره انجام دهد و ما همه چیز را آماده خواهیم کرد و همه چیز را تمام خواهیم کرد.

این دکتر مارو ویلسون در حال تدریس در مورد انبیا است. این آخرین سخنرانی اوست، درس ۳۵ در مورد متون کلیدی از اشعیا.